

بررسی ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی^۱ (مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد)

محسن رنانی^۲

محمد میرزایی^۳

شیرین اربابیان^۴

لعیا واعظ^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۴

چکیده

ویژگی مهم بازار کار ایران و سایر کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر، گسترش بخش غیر رسمی است. این مهم به خصوص در مناطقی که از لحاظ ساختار نیروی کار و وضعیت تقاضای کار دارای شرایط ویژه‌ای می‌باشند، گسترش بیشتری داشته است. بررسی شاخص‌های کلیدی بازار کار در استان کهگیلویه و بویراحمد نشان می‌دهد که شرایط گسترش بخش غیر رسمی در این منطقه بیشتر فراهم بوده است. بر این اساس، در مطالعه حاضر به بررسی و تحلیل ساختار اشتغال بخش غیر رسمی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بخش غیر رسمی استان ظرفیت اشتغال‌زایی بالایی دارد، به طوری که در حدود یک سوم از شاغلان استان به صورت غیر رسمی فعالیت داشته‌اند. بنابراین شناخت و توجه به بخش غیر رسمی و تسهیل فرآیندهای قانونی در راستای ارتقای این گونه فعالیت‌ها به سوی رسمی شدن یکی از راه‌های مؤثر کاهش بیکاری در استان است.

واژگان کلیدی: بخش غیر رسمی، اشتغال غیر رسمی، استان کهگیلویه و بویراحمد، بخش نامنظم، بخش غیر قانونی، بخش خانوار.

Keywords: Informal Sector, Informal Employment, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, Irregular Sector, Illegal Sector, Household Sector.

JEL Classification: J21, O18, O17.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی ساختار اشتغال، ظرفیت اشتغال‌زایی و ظرفیت مالیاتی بخش غیر رسمی در استان کهگیلویه و بویراحمد" است که در دانشگاه اصفهان و با نظارت معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه، انجام و در دی ماه ۱۳۸۸ به پایان رسیده است. دستگاه سفارش دهنده و تامین کننده مالی این طرح نیز استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است که بدین وسیله از حمایت‌های آنان سپاسگزاری می‌شود.

Email: renani@ase.ui.ac.ir

^۲ دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

Email: mohammad_mirza@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی

Email: arbabian_sh@yahoo.com

^۴ عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی

Email: vaez_laya@yahoo.com

^۵ کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

در حال حاضر، بخش غیر رسمی، بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد. این بخش با تولید کالاها و خدمات، انتقال مهارت توسط تازه واردین به بخش، کاهش بیکاری و به کارگرفتن سرمایه‌های فردی نقش عمده‌ای را در تولید، اشتغال و درآمد ایفا می‌کند. شواهد نشان می‌دهند که بخش بزرگی از جمعیت فعال در کشورهای در حال توسعه خارج از مؤسساتی که بر پایه قوانین مالی و قوانین کار بنا شده‌اند، مشغول به کار هستند. در طول سه دهه گذشته، بخش غیر رسمی در مقیاس جهانی گسترش یافته است به طوری که برخی از برآوردها حاکی از این است که ۶۰ درصد از شاغلان در کل کشورهای جهان غیررسمی هستند (OECD, 2009).

آنچه در سال‌های اخیر بر اهمیت نقش و جایگاه بخش غیر رسمی در کشورهای در حال توسعه افزوده، آن است که در طول دو دهه گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) با بحران اقتصادی، تورم بالا، بازپرداخت بدهی‌های خارجی و رشد جمعیت نیروی کار به خصوص در مناطق شهری (در نتیجه تداوم مهاجرت روستایی) مواجه بودند. اشتغال در بخش رسمی راکد بوده و این بخش قادر به جذب مازاد نیروی کار نبوده است. تحت این شرایط بخش غیر رسمی رشد غیر قابل انتظاری را تجربه کرد (احمدی شادمهری، ۱۳۸۶). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در حال اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری هستند، بنگاه‌های کوچک در بخش غیر رسمی سهم قابل توجهی در ایجاد اشتغال داشته و اغلب منبع اصلی درآمد برای افراد زیان دیده هستند (ILO, 2002).

مطابق با برآوردهای صورت گرفته، این بخش تقریباً ۳۰۰ میلیون نفر را در جهان سوم و حدود ۴۰، ۵۵ و ۷۰ درصد اشتغال شهری یا غیر کشاورزی را به ترتیب در کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا در برمی‌گیرد (ILO, 1993). به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، سه چهارم از شاغلان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، دو سوم از شاغلان در جنوب و جنوب شرق آسیا، نیمی از شاغلان در کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه و در نهایت یک چهارم از شاغلان در کشورهای در حال گذار در اشتغال غیر رسمی هستند. این برآوردها بدون در نظر گرفتن افرادی است که در بخش کشاورزی کار می‌کنند. در صورتی که شاغلان بخش کشاورزی نیز در این آمارها وارد شود نرخ اشتغال غیر رسمی در کشورهای مختلف دنیا بیشتر می‌شود (OECD, 2009).

در مورد ایران نیز برخی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی در ایران نیز در بخش غیر رسمی انجام می‌شود (نایب، ۱۳۷۸؛ رنانی، ۱۳۸۴). حضور گسترده بخش غیر رسمی به این معنی است که درجه سیاست‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و قدرت اعمال نظارت دولت، پایین است و نتیجه آن نیز عدم تحقق سیاست‌های اقتصادی دولت یا انحراف آنها از نتایج مورد نظر است. در عین حال بخش مهمی از فعالیت‌های بخش غیر رسمی، قانونی و قابل ارتقاء به سوی رسمی شدن هستند و تنها وجود برخی قوانین، روش‌ها، تبعیض‌ها یا ناکارایی‌های اداری دولت آن فعالیت‌ها را به سوی بخش غیر رسمی سوق داده است. این گونه فعالیت‌ها که بیشترین سهم از حجم بخش غیر رسمی را نیز در بر می‌گیرد با برنامه منظم و دقیق دولت می‌تواند ارتقاء یابد و به فعالیت رسمی نزدیک شود. رسمی شدن فعالیت‌های اقتصادی به منزله نظارت‌پذیر و سیاست‌پذیر شدن آنها و نیز پیدایش منابع جدید مالیاتی برای دولت است. گسستن بودجه دولت از درآمدهای نفتی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آن که دولت بتواند این بخش بزرگ از اقتصاد را ارتقاء داده و وارد فعالیت‌های اقتصادی رسمی و قابل نظارت کند.

البته باید توجه داشت که گسترش فعالیت‌ها در بخش غیر رسمی، فرصت‌های اشتغال‌زایی فراوانی نیز در اختیار اقتصاد قرار می‌دهد. با این وجود، این بخش توان دولت را در اعمال سیاست‌های اقتصادی، مالی، نظارتی و به ویژه در اعمال استانداردها، کاهش می‌دهد. به همین ترتیب قدرت مالیات‌ستانی دولت در اقتصاد کاهش می‌یابد و بنابراین درآمدهای مالیاتی دولت متناسب با هزینه‌های آن رشد نخواهد کرد.

گرچه بخش غیر رسمی دارای پیامدهای منفی برای اقتصاد هر منطقه است، اما مبارزه غیر اصولی با آن نیز می‌تواند آثار زیان‌باری به همراه داشته باشد. بنابراین آنچه مهم است این است که سیاست‌گذاران در گام اول مفهوم، اندازه، ساختار و عوامل موثر بر بخش غیر رسمی حوزه سیاست‌گذاری خود را به خوبی شناسایی و آنگاه بر اساس این شناخت دست به سیاست‌گذاری بزنند. هزینه‌های شکست‌های مکرر سیاست‌ها - به ویژه سیاست‌های اشتغال‌زایی - یکی از مهمترین هزینه‌هایی است که بر اقتصاد ایران تحمیل می‌شود و یکی از علل آن نیز عدم شناخت و توجه سیاست‌گذاران به بخش غیر رسمی و ویژگی‌های آن است.

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که سهم بخش غیر رسمی در مناطق مختلف کشور با توجه به پتانسیل‌ها و شرایط خاص هر منطقه متفاوت بوده است (رنانی، ۱۳۸۲؛ رضوانی، ۱۳۸۶؛ احمدی شادمهری، ۱۳۸۶). بنابراین بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه در مقایسه با ویژگی‌های خاص بخش غیر رسمی می‌تواند شناخت اولیه‌ای در زمینه اندازه و ساختار بخش غیر رسمی در آن منطقه فراهم سازد. استان کهگیلویه و بویراحمد در هر سه عرصه صنعت، کشاورزی و خدمات (به‌ویژه گردشگری) شرایط اولیه و زیربنایی در جهت گسترش ارتباط با اقتصاد جهانی و حضور در بازارهای جهانی را دارد. این امر مستلزم ارتقاء استانداردهای تولیدی، اداری، رفتاری و اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف است. گسترش بخش غیر رسمی معمولاً موجب سقوط استانداردهای یاد شده و کاهش ظرفیت ادغام و همگرایی استان در جهت ورود به اقتصاد جهانی می‌شود.

شرایط گسترش بخش غیر رسمی در استان کهگیلویه و بویراحمد، با توجه به شاخص‌های کلیدی جمعیت و اشتغال، نسبت به سایر استان‌ها، بیشتر فراهم است. متوسط نرخ رشد جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد در دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ بیش از ۶/۸۹ درصد و در دوره ۷۵-۱۳۶۵ بیش از ۳/۲۲ درصد بوده است. همچنین در دوره ۸۵-۱۳۷۵ نیز به حدود ۱/۵۴ رسیده که همواره بالاتر از نرخ میانگین در کل کشور است. این رشد جمعیت همراه با ورود بیش از یکصد و هفتاد هزار نفر مهاجر طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ به استان کهگیلویه و بویراحمد، ظرفیت بالقوه‌ای جهت گسترش بخش غیر رسمی در این استان ایجاد کرده است. همچنین نرخ شهرنشینی از حدود ۱۲ درصد در اوایل انقلاب به حدود ۴۷/۶ درصد در سال‌های اخیر رسیده است. سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص^۱ در استان (در سال ۸۵) بیش از ۱۳/۹ درصد بوده است که بیش از متوسط این سهم برای کل کشور است.^۲

^۱. نرخ اشتغال ناقص بیانگر نسبت شاغلین با اشتغال زمانی ناقص، به کل شاغلین است که در آن شاغلین با اشتغال زمانی ناقص، تمامی شاغلینی که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیر کاری و ... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده و خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند را شامل می‌شود.

^۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵.

در این استان نرخ کلی بیکاری، ۱۹/۶۴ درصد و نرخ عدم فعالیت^۱، ۶۶/۶۸ درصد می‌باشد^۲ که بیش از متوسط این نرخ‌ها در کل کشور (در سال مربوطه) است. درحالی‌که نرخ برخورداری از آموزش در جمعیت بالای ده سال در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از متوسط این نرخ‌ها در کشور پایین‌تر است. به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها در سال‌های بعد نیز تغییر چندانی نکرده باشند. همه این‌ها فراهم آورنده زمینه‌هایی هستند که می‌تواند به گسترش بی‌رویه اشتغال در بخش غیر رسمی استان منجر شود. اطلاعات مربوط به توزیع شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی و نیز توزیع بیکاران با سطوح تحصیلی مختلف نیز مؤید این فرضیه است که در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب در استان در جهت شناسایی، هدایت و ارتقاء فعالیت‌های بخش غیر رسمی (و نه مبارزه با آن) گسترش فعالیت‌های غیر رسمی در استان نرخ فزاینده خواهد گرفت. گسترش فعالیت‌های غیر رسمی در استان نیز به نوبه خود منجر به شکست سیاست‌ها و برنامه‌های تولیدی، اشتغال و صادرات استان خواهد شد.

این پژوهش در پی آن است که سهم، حجم، ساختار بخشی و ترکیب اشتغال بخش غیر رسمی را در استان کهگیلویه و بویر احمد مورد مطالعه قرار دهد. شناسایی این ویژگی‌ها اصلی‌ترین اطلاعات پایه را جهت سیاست‌گذاری در جهت نظارت، هدایت و ارتقاء این فعالیت‌ها، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و ادارات کل استان فراهم می‌آورد. برای این منظور در بخش نخست مفهوم بخش غیر رسمی و عوامل شکل‌دهنده بخش غیر رسمی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس ضمن بررسی مطالعات انجام شده، با کاربرد یک روش تلفیقی برای شناخت ساختار بخش غیر رسمی، سهم شاغلان بخش غیر رسمی و ساختار اشتغال در بخش مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- ادبیات بخش غیر رسمی

هرچند اصطلاح بخش غیر رسمی در سال ۱۹۷۲ مطرح شد ولی در واقع ریشه‌های اصلی این مفهوم به سیاست‌های مرتبط با توسعه اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ باز می‌گردد. در این

^۱. نرخ عدم فعالیت بیانگر نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر است. جمعیت غیر فعال نیز شامل افرادی است که در سنین فعالیت قرار دارند اما در بازار کار حضور ندارند.

^۲. بر اساس اطلاعات سال ۱۳۸۵.

دوره سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۱ نقش مؤثری در سازماندهی، مدیریت و آموزش نیروی کار کشورهای عضو داشت و سعی نمود اطلاعاتی در مورد کارگران جزء و امکانات و سرمایه‌های آنها به دست آورد. اما بسیاری از مشاغل، خارج از چارچوب برنامه‌ریزی شده به وجود می‌آمدند. عدم سازگاری این موضوع با تئوری‌های اقتصادی موجود، پدیده جدیدی را مطرح ساخت. این پدیده (فعالیت خارج از چارچوب برنامه‌ریزی) اشتغال غیر رسمی نامیده شد. در واقع از آنجا که مشاغل ایجاد شده در فرآیند برنامه‌ریزی بسیار محدود بود و با حجم بالایی از تقاضا مواجه شده بود، لذا افراد اغلب خارج از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده برای آنها، به کارهای دیگری به صورت غیر رسمی مشغول می‌شدند.

به طور کلی، دهه‌ی ۱۹۷۰ را می‌توان دهه‌ی رشد و ارتقاء مفاهیم نظری بخش غیر رسمی دانست. به‌طوری‌که در اوایل دهه ۷۰ اصطلاح بخش غیر رسمی، همزمان با ارائه این واژه توسط هیأت اعزامی سازمان بین‌المللی کار به کنیا^۲ در مجامع بین‌المللی نیز مطرح شد. در طول این دوره کتاب‌ها و مقالات مختلفی نگاشته و مطالعات متعددی توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) انجام گرفت و در کنار آن کنفرانس‌های مختلفی نیز در ارتباط با بخش غیر رسمی و تاثیر آن بر اشتغال برگزار شد. پس از آن و در پی درخواست چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار در سال ۱۹۸۷، سازمان بین‌المللی کار به طور جدی رسالت تحقیق و بررسی پیرامون پدیده بخشی غیر رسمی را به عهده گرفت و بالاخره در سال ۱۹۹۳، در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار، مفهوم بخش غیررسمی و دستورالعمل‌های تکنیکی جمع‌آوری آمار و اطلاعات این بخش ارائه شد. بر این اساس دو مفهوم اساسی از بخش غیر رسمی معرفی شد:

(۱) بخش غیر رسمی، ترکیبی از واحدهای شاغل در تولید کالا و خدمات می‌باشد که هدف اولیه آنها ایجاد اشتغال و درآمد است. این واحدها در سطح پائینی از سازماندهی، با تقسیم کار محدود بین عوامل تولید (کار و سرمایه) و یا بدون تقسیم کار بین عوامل تولید، قرار دارند و در مقیاس کوچک عمل می‌کنند. روابط کار به جای این که بر مبنای ترتیبات قراردادی یا ضمانت‌های رسمی باشد، غالباً مبتنی بر اشتغال موقت، روابط خویشاوندی و شخصی است.

^۱. International Labour Organization

^۲. Kenya

(۲) واحدهای تولیدی بخش غیر رسمی ویژگی‌هایی را از بنگاه‌های خانواری^۱ دارا می‌باشند. دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های استفاده شده به واحدهای تولیدی تعلق ندارد، بلکه به صاحبانشان متعلق هستند. واحدهای بخش غیر رسمی نمی‌توانند از طرف خودشان در مبادلات حضور یافته یا با سایر واحدها طرف قرارداد شوند و ایجاد بدهی نمایند. مالکان، با ریسک خودشان در موارد ضروری تأمین مالی می‌شوند و بدون هیچ محدودیتی شخصاً بابت هر بدهی یا الزامات فرآیند تولید بدهکار می‌شوند. مخارج تولید، اغلب قابل تمایز از مخارج خانوار نیست. به طور مشابه کالاهای سرمایه‌ای نظیر ساختمان‌ها یا اتومبیل‌ها نیز ممکن است به صورت غیرقابل تمایز برای مقاصد کاری یا نیازهای خانوار مورد استفاده قرار گیرد (ILO, 1993).

در واقع سازمان بین‌المللی کار بنگاه‌هایی را غیررسمی می‌داند که دارای (برخی یا همه) ویژگی‌های زیر باشند (توماس و همکاران، ۱۳۷۶):

- دارای آزادی کامل ورود و خروج به بازار باشند، اتکای اصلی آن‌ها به منابع مالی داخلی بنگاه باشد، از نظر مالکیت دارای مالکیت خانوادگی باشند، عملیات و مقیاس فعالیت آن‌ها کوچک باشد، روش‌های تولید و فناوری مورد استفاده آن‌ها کاربر باشد، مهارت‌ها و سرمایه انسانی مورد استفاده آن‌ها در خارج از سیستم آموزشی رسمی به دست آمده باشد، در بازارهای کاملاً رقابتی و فاقد کنترل فعالیت کنند.

بر این اساس سازمان بین‌المللی کار معیارهایی را جهت عملیاتی نمودن مفهوم بخش غیر رسمی در راستای ارائه برآوردهای آماری از سهم و اندازه بخش غیر رسمی عرضه نمود. این معیارها نیز بر اساس تعاریف ارائه شده از بخش غیر رسمی مطرح شدند. بدین ترتیب بنگاه‌هایی را می‌توان غیر رسمی خواند که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های زیر باشند:

- زیر سطح مشخصی از اشتغال فعالیت نمایند.

- خارج از چارچوب قوانین ملی (اعم از قوانین ثبت، مالیات، قانون کار، قوانین بهداشت، استانداردها و ...) عمل نمایند.

- از درجه سرمایه‌بری اندک و کاربری بالایی برخوردار باشند.

¹ Household Enterprise

به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی به ۵ بخش تقسیم می‌شوند (توماس و دیگران، ۱۳۷۶): ۱- بخش رسمی، ۲- بخش غیر رسمی، ۳- بخش خانوار، ۴- بخش نامنظم، ۵- بخش غیر قانونی.

۱- بخش رسمی، کالا و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت و تولید آن کالا قانونی و بنگاه‌های فعال در آن بخش، ثبت شده و قابل نظارت هستند. به دلیل ماهیت این بخش، اعمال نظارت توسط دستگاه‌های دولتی بر فعالیت‌های آن وجود دارد. از آنجا که فعالیت‌های دولتی همگی قانونی، ثبت شده و قابل نظارت هستند، در بخش رسمی قرار می‌گیرند و در نتیجه می‌توان فعالیت‌های موجود در بخش رسمی را به دو دسته فعالیت‌های خصوصی (شامل بنگاه‌های انفرادی، سهامی، شرکتی و تعاونی) و دولتی تقسیم نمود.

۲- بخش غیررسمی، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت، تولید و مبادله آنها قانونی است. فعالیت‌های این بخش نیز یا به صورت ثبت شده اما غیر قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی می‌باشد و یا به صورت فعالیت‌های ثبت نشده است که مبادلات بنگاه‌ها در آن به صورت قانونی انجام می‌گیرد. برای مثال خدمات جزئی (سیگار فروشی)، تولیدکنندگان جزئی (کارگاه‌های کوچک)، خدمات حمل و نقل (مسافرکشی)، دلالی و خدمات خانگی و سایر فعالیت‌های همراه با فرار از مالیات، فرار از قوانین و مقررات (حداقل دستمزد، سقف و کف قیمت و قوانین مربوط به استانداردها) و فرار از پرداخت‌های بیمه اجتماعی، در بخش غیر رسمی جای می‌گیرند.

علت کنار گذاشتن بخش غیر رسمی در حساب‌های ملی، عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است. نکته قابل توجه در مورد بخش غیر رسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است.

۳- بخش خانوار، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار عدم عرضه کالاهای تولیدی خود به بازار و در نتیجه فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی است این ویژگی ارزیابی محصولات این بخش را دشوار می‌سازد و بدین لحاظ در حساب‌های ملی نادیده گرفته می‌شود. به عبارت دیگر این بخش کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت و تولید آن قانونی ولی فعالیت‌های آن بخش در مراکز آماری ثبت نشده و دارای هیچ‌گونه مبادلات بازاری نمی‌باشد. به عنوان مثال خانه‌داری، خودخدمتی، کارهای داوطلبانه و کارهای خیریه در بخش خانوار قرار می‌گیرند.

تفاوت عمده بخش غیر رسمی و بخش خانوار این است که تولیدات بخش غیر رسمی برخلاف تولیدات خانگی یا به صورت کالا و خدمات واسطه‌ای به سایر تولیدکنندگان و یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف‌کننده، به فروش می‌رسد و این بدان معنی است که مبادلات بازاری صورت می‌گیرد. بنابراین چون مبادلات بازاری باعث به وجود آمدن آمار مبتنی بر قیمت است علتی برای منظور نمودن آن در حسابداری ملی وجود ندارد (هرچند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منظور نمی‌شود).

۴- در بخش نامنظم، ویژگی عمده فعالیت‌ها آن است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمات، در نحوه تولید و یا توزیع آن کاری خلاف مقررات و غیر قانونی صورت گرفته است. به عبارتی کلیه فعالیت‌هایی که ماهیت و تولید آن قانونی می‌باشند ولی بنگاه‌های فعال در آن به صورت ثبت نشده فعالیت می‌کنند و به صورت غیر قانونی مبادلات خود را انجام می‌دهند، بخش نامنظم را تشکیل می‌دهند. قاچاق کالا، چاپ، تکثیر و انتشار کتاب‌های نایاب از سوی افراد متفرقه و... از جمله فعالیت‌هایی هستند که در بخش نامنظم جای می‌گیرند.

تفاوت عمده بخش غیر رسمی و بخش نامنظم در این است که با وجود آن که ماهیت محصول تولیدی و فرآیند تولید محصول در هر دو بخش قانونی است، اما مبادلات بنگاه‌های فعال در بخش غیر رسمی به صورت قانونی و بنگاه‌های فعال در بخش نامنظم مبادلاتشان به صورت غیر قانونی می‌باشد.

۵- در بخش غیر قانونی، تولیدات از نظر ماهیت تولید و نیز توزیع و مصرف آنها، غیر قانونی و شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر مال دزدی، خرید و فروش مواد مخدر، اخاذی و غیره می‌باشد. ویژگی اصلی این بخش آن است که مقامات دولتی معمولاً به دنبال پایان دادن به اینگونه فعالیت‌ها هستند. با توجه به این که خلاف کاران، قاچاق‌چیان و جنایت‌کاران عمل خود را گزارش نمی‌کنند، بدیهی است که در حساب‌های ملی نیز منظور نمی‌شوند. این نوع فعالیت‌ها دامنه بسیار وسیعی دارد و از فعالیت مهندسی که گیرنده‌های ماهواره‌ای غیر قانونی می‌سازد تا فعالیت مافیای بین‌المللی مواد مخدر را در بر می‌گیرد.

به‌طور کلی در تحقیق حاضر برای تقسیم‌بندی فعالیت‌ها و تفکیک بخش‌های اقتصادی سه ویژگی ماهیت کالا، تولید کالا و نحوه مبادله در نظر گرفته شده است. در واقع بر مبنای این سه ویژگی است که بخش‌ها از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

بخش غیر رسمی، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت، تولید و مبادله آنها قانونی است. فعالیت‌های این بخش نیز یا به صورت ثبت شده اما غیر قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی می‌باشد و یا به صورت فعالیت‌های ثبت نشده است که مبادلات بنگاه‌ها در آن به صورت قانونی انجام می‌گیرد.

نتایج ارزیابی بخش‌های مختلف اقتصاد در بین فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان در جدول ۱ خلاصه نمود. براساس جدول یاد شده آنچه موجب تفاوت بخش‌های فوق می‌شود، تفاوت در ماهیت و فرآیند تولید، ماهیت توزیع، وجود یا عدم وجود مبادلات بازاری و امکان نظارت و اعمال سیاست است.

جدول ۱: مقایسه بخش‌های مختلف اقتصادی در بین فعالیت‌های اقتصادی از دید این تحقیق

مبادلات بازاری	قابلیت نظارت و اعمال سیاست	ماهیت محصول تولیدی	فرآیند تولید	ماهیت توزیع (مبادله)
دارد	دارد	قانونی	قانونی	قانونی
دارد	ندارد	قانونی	قانونی	قانونی
ندارد	ندارد	قانونی	قانونی	قانونی
دارد	ندارد	قانونی	قانونی	غیر قانونی
دارد	ندارد	غیر قانونی	قانونی/غیر قانونی	غیر قانونی

منبع: زبانی (۱۳۸۴)

۳- عوامل گسترش دهنده بخش غیر رسمی

۳-۱- عوامل نهادی شکل دهنده بخش غیر رسمی

پایین بودن درجه انطباق با قانون یکی از ابعاد غیر رسمی بودن را نشان می‌دهد. فعالیت‌های اقتصادی رسمی، بیشتر در محیطی شکل می‌گیرد که در آن سرمایه‌گذاری و کسب و کار انجام می‌شود و پیروی از مقررات، هزینه‌های کمرشکن ندارد. رسمیت نیافتگی اغلب پاسخی است از طرف عاملینی که نمی‌توانند از قواعد و مقررات دشوار و بازدارنده پیروی کنند یا به نهادهای بازار یعنی قواعد و مقرراتی که بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های معاملاتی را تعیین می‌کند، دسترسی ندارند. گاهی شکل‌گیری بخش غیر رسمی به نهاد‌های قانونگذار و مجری قانون نسبت داده می‌شود، همچنین اگر قوانین از کارایی لازم برخوردار نباشد، مطابق با شرایط اقتصادی و اجتماعی تدوین نشده باشد، با واقعیت‌های اقتصادی هماهنگ نباشد، غیر قابل پیش‌بینی، بی‌ثبات

و حامی اقلیت خاص باشد، بر منفعت حاصل از فعالیت در بخش غیررسمی می‌افزاید (لوایزا^۱، ۱۹۹۷).

به‌طور کلی مجموعه قوانین و چارچوب‌های نهادی را می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی نمود. قوانینی که در ایجاد و اداره بنگاه بخش غیر رسمی مؤثر هستند (قوانین ومقررات تجاری)؛ قوانین مربوط به تسهیل انتقال دارایی به سرمایه تولیدی و حفاظت از آن (قوانین حقوق مالکیت)؛ قوانین و مقرراتی که روابط شغلی و حقوق کارگران را معین می‌سازند (قوانین کار). حال چنانچه عواملان اقتصادی فعالیت در بخش رسمی را بر بخش غیر رسمی ترجیح دادند، یعنی هزینه‌های ناشی از قانونی عمل کردن کم‌تر از غیرقانونی عمل کردن باشد، می‌توان به کارایی قوانین فوق تأکید نمود. اما چنانچه فعالیت در بخش غیر رسمی بر بخش رسمی مرجح باشد، بیانگر ضعف قوانین و مقررات خواهد بود. بنابراین ضرر و منفعت ناشی از رسمی و غیر رسمی شدن بنگاه معیاری برای سنجش کارایی قوانین ذکر شده خواهد بود. به این ترتیب هزینه‌ها با دو رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد، هزینه‌هایی که کارگران بخش غیر رسمی به دلیل عدم حمایت‌های قانونی متحمل می‌شوند و هزینه‌هایی که بر یک بنگاه اقتصادی جهت قانونی عمل کردن تحمیل می‌شود.

در واقع هنگامی که قوانین و مقررات قابل پیش بینی باشد، اطلاعات لازم را جهت فعالیت‌های تجاری مهیا سازد، ایجاد امنیت و انگیزه کند، حمایت‌کننده و ضمانت‌کننده باشد، آنگاه افراد بیشتری به عملکرد در بخش رسمی و پذیرش هزینه‌های ناشی از قانونی عمل کردن (هزینه‌های تأمین اجتماعی و پرداخت مالیات و...) تمایل دارند و دارایی‌های بیشتری جهت به راه انداختن چرخه‌های تولیدی اقتصادی به سرمایه‌های تولید تبدیل می‌شود و در مقابل بنگاه‌های غیر رسمی کمتر از منافع چنین قوانینی بهره‌مند می‌شوند. درحالی که ضعف در قوانین و مقررات، هزینه‌های کسب مجوز، هزینه‌های به‌دست آوردن اطلاعات در مورد مواد اولیه، قیمت‌ها، مشتریان عمده، منابع عرضه کالا و خدمات، هزینه دسترسی به تسهیلات اعتباری و... را افزایش می‌دهد. بنابراین بوروکراسی ناکارآمد مانع توسعه بنگاه‌های کوچک و ورود بنگاه‌داران بالقوه به عرصه اقتصاد می‌شود در نتیجه غیر رسمی بودن را می‌توان نتیجه چنین محدودیت‌ها و کاستی‌ها دانست (ILO, 2002).

¹. Loayza

در ایران نیز موارد فراوانی در خصوص قوانین یا نهادهایی که منجر به گسترش بخش غیر رسمی شده است وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این قوانین که نقش اساسی در گرایش به بخش غیر رسمی به وجود آورده است، قانون کار (به عنوان یک نهاد رسمی) می‌باشد. قانون فعلی کار برای کارفرمایان چندان انعطاف‌پذیر نیست. به طوری که الزامات یک‌سویه برای کارفرمایان، زمینه لازم را جهت تمایل بیشتر کارفرمایان در به‌کارگیری کارگران به شکل غیر رسمی و در خارج از چارچوب‌های قانون کار فراهم آورده است. در مورد تأثیر نهادهای غیررسمی - مثل سنت‌ها و قواعد هنجاری و نظایر آنها - بر گرایش به سوی فعالیت‌های غیر رسمی نیز می‌توان نقش سرمایه اجتماعی را ذکر کرد. شاخص‌های زیادی حاکی از روند کاهشی سطح سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر است. کاهش سرمایه اجتماعی موجب افزایش هزینه مبادله در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در چنین شرایطی بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند برای کاهش هزینه مبادله در فعالیت‌های خود، به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و کوچک مقیاس و نیز به استخدام‌های موقت و غیر رسمی روی بیاورند.

انواع روش‌های مالیات‌ستانی و نرخ‌های مختلف مالیات نیز اندازه بخش غیر رسمی را به گونه‌ای متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهند. مثلاً تأثیر روش مالیات بر ارزش افزوده بر گسترش فعالیت‌های غیر رسمی بیش از روش مالیات بر فروش است. همچنین رابطه بین نرخ مالیات و اندازه بخش غیر رسمی پیچیده می‌باشد. گاه کشورهایی با نرخ مالیات بالا، از بخش غیر رسمی کوچکی برخوردارند (اگر دولت کارآمد باشد، نرخ‌های مالیات بیشتر، به ارائه خدمات و کالاهای عمومی با کیفیت بیشتری منتهی شود. در این صورت فعالیت در بخش رسمی منفعت بیشتری دارد و انگیزه غیر رسمی عمل کردن کاهش می‌یابد)، گاه ممکن است نرخ بالای مالیات حاشیه سود را کاهش دهد و انگیزه فعالیت به صورت غیر رسمی را ایجاد کند. برخی از یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت مالیات می‌تواند اندازه بخش غیر رسمی را معادل نرخ مالیات تحت تأثیر قرار دهد (کوچتا - هلبلینگ^۱، ۲۰۰۰).

۳-۲- عوامل ساختاری شکل دهنده بخش غیر رسمی

الف- عوامل جمعیت‌شناسی

^۱. Kuchta- Helbling

- مهاجرت: روند جمعیت‌شناسی را نمی‌توان در رشد بخش غیر رسمی نادیده گرفت. به ویژه در کشورهای در حال توسعه، رشد بخش غیر رسمی با موضوع نیروی کار مازاد ارتباط دارد. بنابراین موضوع مهاجرت روستایی- شهری و نرخ شهرنشینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهاجرین به دنبال مشاغل رسمی که اغلب موجود نیست به شهرها آمده و نهایتاً جذب بخش غیر رسمی می‌شوند (ILO, 2002). در کشورهای در حال توسعه آسیایی، تفوق مهاجران بر بخش غیر رسمی ادامه دارد. در چین، شهرگوانزو در سال ۱۹۹۲ نشان می‌دهد که ۴۰/۷٪ از نیروی کار بخش غیر رسمی را مهاجران تشکیل می‌دهند. مطالعه ۱۹۹۷ ووهان نیز نشان می‌دهد که سهم مهاجران برابر ۷۳/۹٪ بوده است. یک بررسی جدیدتر در ووهان سهم مهاجران در کارگران تبدیل ضایعات در بخش غیر رسمی را حدود ۸۰٪ برآورد می‌کند. این امر نشان می‌دهد که تعداد مهاجران به شهرهای چین بسیار زیاد است، و بخش غیر رسمی به عنوان پایگاه شهری آنها محسوب می‌شود (ILO, 2002).

- زنان: در دهه‌های اخیر مشارکت نیروی کار زنان در تقریباً تمام مناطق جهان سریع‌تر از مردان افزایش یافته است. زنان بیشتر، مشاغلی را عهده‌دار می‌شوند که در بخش غیررسمی قرار دارند، زیرا آنها از آموزش‌های رسمی و حرفه‌ای پایینی برخوردارند. زنان با اشکال مختلف تبعیض مستقیم و غیر مستقیم روبه‌رو هستند و بار سنگین مسئولیت خانواده را نیز بر دوش دارند. زنان بیشتر از مردان، در زمان‌های مختلف چرخه زندگی خود اقدام به ترک یا ورود مجدد به کار می‌کنند اما به علت اینکه اغلب از آموزش‌های عمومی برخوردار نیستند در نهایت به مشاغل غیررسمی روی می‌آورند. به طور کلی، بخش غیر رسمی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از آن که منبع اشتغال مردان باشد، منبعی برای اشتغال زنان می‌باشد (کاپت^۱، ۲۰۰۷؛ مری^۲، ۲۰۰۸).

ب- رشد اقتصادی

الگوی رشد اقتصادی در کشورها از دیگر عواملی است که به رشد بخش غیر رسمی کمک می‌نماید. بخش غیر رسمی هم در کشورهایی که از رشد اقتصادی اندکی برخوردار بوده‌اند و هم در کشورهایی که رشد اقتصادی‌شان، بر تکنولوژی‌های سرمایه‌بر متکی بوده، رشد یافته است. در واقع در کشورهایی که رشد اقتصادی اندک است، عدم خلق فرصت‌های شغلی متناسب با نیروی

¹. Capt

². Murray

کار موجود، به ورود افراد به بخش غیر رسمی منتهی می‌شود، درحالی‌که رشد اقتصادی بالا اما وابسته به تکنولوژی‌های سرمایه‌بر به دلیل نیاز به نیروی کار ماهر و متخصص، منجر به هدایت افراد کم‌تخصص یا بی‌تخصص به بخش غیر رسمی می‌گردد (ILO, 2002).

ج- سیاست‌های تعدیل اقتصادی، بحران اقتصادی

سیاست‌های تعدیل ساختاری که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به اجرا گذاشته شد در بسیاری از کشورها فقر، بیکاری و کم‌کاری را به همراه داشت و به توسعه و گسترش بخش غیر رسمی کمک کرد. به عبارت دیگر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در بسیاری از کشورهای جهان سوم با حذف نقش دولت در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، به قدرت انحصاری به وجود آمده توسط دولت در عرصه اقتصاد پایان داد؛ اما پس از حذف حمایت‌های دولت، از توان رقابتی بنگاه‌ها کاسته و عجز و ناتوانی بنگاه‌های بزرگ مقیاس در جهت ادامه تولید کالا و خدمات منجر به تعدیل نیروی انسانی شد. نیروی کار به منظور گریز از اثرات منفی به وجود آمده به بخش غیر رسمی پناه آورده و بدین ترتیب سیاست‌های تعدیل ساختاری گسترش بخش غیر رسمی را به دنبال داشت. علاوه بر مورد فوق، بحران مالی دهه ۹۰ در کشورهای آسیایی نیز به عنوان عامل مهم دیگری در ایجاد و رشد بخش غیر رسمی در این دوره مطرح می‌باشد (ILO, 2002).

د- فقر

نیرویی که اکثر مردم را به انجام مشاغل در بخش غیر رسمی وادار می‌کند، فقر است و درآمدهای پایین چنین مشاغلی دور باطل فقر را ایجاد می‌کند. البته در بخش غیر رسمی طیف گسترده‌ای از انواع درآمدها وجود دارد. میزان درآمد از کارفرمایان به کارگران خوداشتغال و از کارگران خوداشتغال به کارگران مزدبگیر و موقت کاهش می‌یابد. اما به‌طور کلی معمولاً متوسط درآمد در این بخش از بخش رسمی کمتر است (ILO, 2002).

در مجموع می‌توان گفت در بخش غیر رسمی سطوح درآمد پایین و شیوع فقر بالاست. اما بدون وجود این بخش بر شدت فقر افراد افزوده می‌شود. افراد فقیر نمی‌توانند بیکار بمانند و باید برای گذراندن زندگی خود کار کنند. بسیاری از افرادی که در بخش غیر رسمی مشغول به کار هستند، به دلیل عدم وجود فرصت‌های شغلی در بخش رسمی، به این بخش روی آورده‌اند. نقش بخش غیر رسمی در تأمین فرصت‌های اشتغال و درآمد و کاهش میزان و شدت فقر بسیار با اهمیت است. مطالعه‌ای در آلمان باتار در سال ۱۹۹۶ شیوع فقر را ۳۸ درصد برآورد کرده است، که در این مقدار

غیاب درآمدهای بخش غیر رسمی به ۵۳ درصد می‌رسید. صرف نظر از مشاغل تمام وقت، بخش غیر رسمی فرصت‌های اشتغال پاره‌وقت را برای عده زیادی به خصوص زنان، که می‌توانند در منزل کار کنند و به درآمد خانوادگی بیفزایند، فراهم می‌کند (E.Scap, 2006).

ه- جهانی شدن

رقابت جهانی، بنگاه‌های رسمی را به انتقال کارگران مزدبگیر به ترتیبات اشتغال غیر رسمی بدون حداقل دستمزد و بدون مزایای تضمینی تشویق کرده و واحدهای غیر رسمی را به تغییر روش‌های عقد قرارداد از قراردادهای نیمه دائمی با کارگزارانشان به قراردادهای مقطعه کاری تشویق و ترغیب می‌کند. این گونه قراردادهای عموماً فاقد تضمین، حداقل دستمزد و مزایای مربوطه است. همچنین جهانی شدن اغلب به انتقال از خوداشتغالی ایمن و مطمئن به خوداشتغالی ناپایدار و متزلزل منجر می‌شود.

هر چند این تأثیر برای هر منطقه متفاوت و با توجه به شرایط، برای کارگران مفید یا مضر می‌باشد، ولی آنچه مشخص است این است که فرآیند جهانی شدن به کاهش هزینه‌ها و به تبع آن پایین آوردن دستمزد کارگران گرایش دارد. به طوری که در چارچوب رقابت جهانی، غیر رسمی سازی فزاینده‌ای در روابط تولیدی و اشتغال وجود داشته است. تعداد زیادی از بنگاه‌ها، به جای استفاده از نیروی کار تمام‌وقت و منظم در یک کارخانه یا محل کار، تولید خود را غیر متمرکز کرده و کارهای خود را با تشکیل واحدهای تخصصی تر و انعطاف پذیرتر سازماندهی می‌کنند. به عنوان بخشی از روش‌های کاهش هزینه و تلاش برای افزایش رقابت، بنگاه‌ها عمدتاً از مجموعه کارکنان مزدبگیر براساس شرایط و موقعیت‌های معمول اشتغال و نیز تعدادی کارگر حاشیه‌ای "غیر استاندارد" یا "غیر معمول" در محیط‌های گوناگون کاری استفاده می‌کنند. این روش‌ها اغلب شامل تأمین نیرو از خارج سازمان است که براساس پیمانکاری فرعی و روابط انعطاف پذیرتر و غیر رسمی اشتغال صورت می‌گیرد.

علاوه بر عوامل فوق می‌توان عوامل دیگری را نیز در گسترش بخش غیر رسمی شناسایی کرد. مثلاً فساد اداری، رانت‌جویی، کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش مشروعیت نظام سیاسی و ... از جمله عوامل دیگری است که وقوع یا گسترش پدیده غیر رسمی بودن را تسهیل می‌نماید (ILO, 2002).

۴- مطالعات بخش غیر رسمی

فانخوسر (۱۹۹۶)^۱ با استفاده از نتایج آمارگیری خانوارها در ۵ کشور آمریکای مرکزی از جمله گواتمالا، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه و کاستاریکا به بررسی عوامل تعیین کننده اشتغال و ساختار درآمد در دو بخش رسمی و غیر رسمی پرداخته است. وی بخش غیر رسمی را افرادی که در دو گروه زیر باشند در نظر گرفته است:

- کارگران خوداشتغال، فامیلی و داخلی - کارگران مزد و حقوق‌بگیری که در کارگاه‌های کمتر از ۵ نفر کارکن مشغول کار می‌باشند و جزء کارگران ماهر نمی‌باشند. وی نتیجه گرفته است که در گواتمالا، السالوادور و هندوراس، بخش غیر رسمی بین ۶۰ درصد تا ۷۵ درصد و در کاستاریکا ۶۶ درصد نیروی کار را در بر گرفته است. براساس نتایج این بررسی، به لحاظ شاخص سن، میانگین سن در میان شاغلان بخش غیر رسمی بالاتر از شاغلان بخش رسمی می‌باشد. از لحاظ متوسط درآمد، به طور کلی در میان مردان درآمد شاغلان بخش رسمی حداقل ۲۱ درصد و حداکثر ۸۳ درصد از درآمد شاغلان بخش غیر رسمی بیشتر است. شاخص میانگین سال‌های تحصیلات برای مردان در بخش رسمی ۲۵ تا ۵۰ درصد بالاتر از این میانگین در بخش غیر رسمی و این نسبت برای زنان به حدود دو برابر نیز می‌رسد. همچنین با انجام رگرسیون چندمتغیره، ارتباط منفی و معنی‌داری بین سطح تحصیلات و اشتغال در بخش غیر رسمی ملاحظه شده که این بدین معناست که با افزایش سطح تحصیلات، اشتغال در بخش غیر رسمی کاهش می‌یابد.

لویزا^۲ (۱۹۹۷) در تعریف خود از بخش غیر رسمی، این بخش را حاصل قوانین و مقرراتی می‌داند که فراتر از ظرفیت پذیرش بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی وضع می‌شوند. لویزا با توجه به تعریف بخش غیر رسمی بر مبنای اصول تئوریک یک مدل رشد درونزا، از مدل شاخص‌های چندگانه جهت تخمین اندازه بخش غیر رسمی استفاده کرده است. دوره تخمین ۱۹۹۰-۱۹۹۳ و تعداد مشاهدات ۱۴ کشور شیلی، آرژانتین، کاستاریکا، مکزیک، ونزوئلا، اکوادور، کلمبیا، اروگوئه، برزیل، هندوراس، گواتمالا، پرو، پاناما و بولیوی می‌باشد. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان داده که در بین متغیرهای علت، بار مالیاتی و قیود بازار کار، تأثیر مثبت و قدرت و کارایی نهادهای دولتی تأثیر منفی بر اندازه بخش غیر رسمی دارند. همچنین کشورهای بولیوی، پاناما و پرو، بزرگ‌ترین

^۱. Funkhouser

^۲. Loayza

بخش غیر رسمی و شیلی، آرژانتین و کاستاریکا کوچک‌ترین بخش غیر رسمی را در آمریکای لاتین به خود اختصاص داده‌اند.

برنابا^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی اشتغال غیر رسمی در کشورهای در حال گذار پرداخته است. نتایج مطالعه وی حاکی از این مطلب است که افراد دارای تحصیلات پایین‌تر، بیشتر به صورت غیر رسمی کار می‌کرده‌اند، به گونه‌ای که ۶۶ درصد از کسانی که دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند اشتغال غیر رسمی داشته‌اند و این رقم برای افرادی که دارای تحصیلات عالی بوده‌اند ۲۹ درصد بوده است. همچنین ۴۳ درصد از شاغلان غیر رسمی مرد و ۵۷ درصد زن هستند که بیشتر به صورت کارکنان فامیلی بدون مزد فعالیت دارند. همچنین اشتغال غیر رسمی در روستاها بیشتر از شهرها می‌باشد، به گونه‌ای که ۳۸ درصد از شاغلان شهری و ۶۲ درصد از شاغلان روستایی، غیر رسمی هستند. همچنین اشتغال غیر رسمی بیشتر در فعالیت‌های مربوط به خدمات مزدبگیر داخلی، کشاورزی، تجارت و ساختمان می‌باشد.

هن لی و دیگران^۲ (۲۰۰۶) براساس سه تعریف مختلف، به اندازه‌گیری بخش غیر رسمی در برزیل برای سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. در این مطالعه غیر رسمی بودن بر پایه: ۱. وضعیت قرارداد استخدام، ۲. حمایت‌های تأمین اجتماعی، و ۳. ماهیت استخدام و ویژگی‌های کارفرما، تعریف شده است. مطابق با حداقل یکی از این تعاریف ۶۴٪ و مطابق با هر سه تعریف ۴۰٪ از فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی هستند. تحلیل اقتصادسنجی انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که اثر عوامل خاص (مثل عوامل جمعیتی، دسترسی به آموزش، شرایط خانواده) روی احتمال غیر رسمی بودن از یک تعریف به تعریف دیگر متفاوت است. نتیجه اینکه تعریف سوم از غیر رسمی بودن (بر پایه ماهیت استخدام و ویژگی‌های کارفرما) بیشتر مورد قبول است و از نظر مفهوم نیز پذیرفته شده‌تر است.

مطالعه سارا کوآ^۳ (۲۰۰۷) به بررسی عوامل گسترش بخش غیر رسمی در ترکیه برای سال ۲۰۰۰ پرداخته است. در این مطالعه عواملی که باعث ترویج فعالیت‌های غیر رسمی در ترکیه می‌شوند

^۱. Burnabe

^۲. Henley et.al

^۳. Saracoğlu, Şirin

عبارتند از: درآمد سرانه پایین، نرخ نهادگرایی پایین در بخش خصوصی^۱، بازارهای پول و سرمایه‌ی توسعه نیافته، سیستم مالیاتی ناکارا و نرخ‌های بالای مالیاتی. مهم‌ترین مشخصه حجم فعالیت‌های غیر رسمی، وسعت اشتغال‌هایی است که از حوزه قوانین و مقررات دولتی گریخته‌اند. درصد کارگران غیر کشاورزی که تحت پوشش سیستم تأمین اجتماعی نیستند، جانشینی برای سهم اشتغال غیر رسمی در اقتصاد ملی در نظر گرفته شده است. طبق گزارش مرکز آمار ترکیه برای سال ۲۰۰۰، ۳/۳۵٪ از افراد شاغل در بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند (که تنها ۰/۸۹٪ از آنها از طریق سیستم تأمین اجتماعی بیمه شده‌اند)، ۷/۲۴٪ کل افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی اشتغال داشته و از طریق سیستم تأمین اجتماعی بیمه شده‌اند و ۴۰٪ باقیمانده شاغلان، بیمه نیستند. در این مطالعه کارگران بیمه شده به عنوان «شاغلان رسمی» در نظر گرفته شده‌اند. با بررسی افراد بیمه نشده یا «شاغلان غیر رسمی»، ملاحظه شده که ۶/۷۴٪ از نیروی کار غیر رسمی غیر کشاورز در بخش خدمات مشغول هستند، بنابراین بخش خدمات به عنوان مرکز فعالیت‌های غیر رسمی غیر کشاورزی در نظر گرفته شده است.

در ایران نیز در دهه اخیر مطالعاتی درباره بخش غیر رسمی انجام شده است. هدایت و باقریان (۱۳۶۸) در مطالعه‌ای بخش غیر رسمی را مترادف با فعالیت‌های خدماتی قرارداده و به اثرات بخش خدمات بر متغیرهای اقتصادی همچون تورم، بیکاری و درآمد پرداخته‌اند. این مطالعه از فعالیت‌هایی مانند عمده فروشی، خرده فروشی، دوره گردی و ... به عنوان بخش غیر رسمی نام برده است. نتایج تخمین‌ها نشان داده است که سهم اشتغال شهری بخش غیر رسمی در سال ۱۳۶۵، ۴۳ درصد اشتغال کشور و سهم تولید این بخش معادل ۳۱ تا ۴۱ درصد تولید کشور می‌باشد.

در مطالعه نایب (۱۳۷۸)، بخش غیر رسمی شهری ایران براساس مالکیت بنگاه و نوع شغل تفکیک و علل پیدایش بخش غیر رسمی شهری ایران بررسی شده است. وی بخش غیر رسمی را مشاغل آزاد و مزد و حقوق‌بگیر خصوصی در نظر می‌گیرد که مالیات پرداخت نمی‌کنند. به اعتقاد وی احتمالاً علت رشد بخش غیر رسمی در ایران هزینه‌های بوروکراسی، تنگناهای اقتصادی و هزینه‌های بالای مبادله می‌باشد. در مطالعه‌ی وی سهم اشتغال در بخش غیر رسمی در چهار سال (۱۳۶۴، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۷۶) حدود ۶۵-۶۰ درصد برآورد شده است.

^۱ نرخ نهادگرایی پایین در بخش خصوصی به معنی عدم پذیرش نهادهای موجود در جامعه توسط بخش خصوصی می‌باشد. در واقع هنگامی که نهادهای موجود و قوانین و ضوابط حاکم بر آنها منطبق بر نیازها و ساختارهای بخش خصوصی نبوده و حمایت‌های لازم را به دنبال نداشته باشد گرایش به قرار گرفتن بخش خصوصی در چارچوب این نهادها کاهش می‌یابد.

شکلیابی (۱۳۸۰) بخش غیر رسمی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها می‌داند که در کشورهای در حال توسعه و در خارج از بخش مدرن و به منظور کسب معاش، به صورت خوداشتغالی با سازماندهی و تکنولوژی در سطح پایین ایجاد می‌شود. او با استفاده از منطق فازی به برآورد اندازه بخش غیر رسمی اقدام کرده است که سهم آن را در سال ۱۳۶۷ در حدود ۲۰ درصد و در سال ۱۳۷۷ در حدود ۱۰ درصد به دست آورده است.

باباحیدری (۱۳۸۰) در مطالعه خود نشان داده که سهم شاغلان بخش غیر رسمی از متوسط ۲۱ درصد در دوره ۵۸-۱۳۵۱ (عمدتاً دوره قبل از انقلاب) به متوسط ۲۹ درصد در دوره ۶۸-۱۳۵۹ (دوره جنگ تحمیلی) و سرانجام به متوسط ۳۷ درصد در دوره ۷۷-۱۳۶۹ (دوران سازندگی و اجرای برنامه‌های توسعه) افزایش یافته است.

رنانی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای نوع ارتباط بنگاه با دولت، برخورداری از حمایت‌های شغلی، وضعیت شغلی کارکنان، نوع گروه شغلی و نوع گروه فعالیت شاغلان و اندازه بنگاه را به‌عنوان معیارهای تفکیک‌کننده بخش غیر رسمی از بازار کار شهری برشمرده شده است. در این مطالعه، سهم شاغلان بخش غیر رسمی بر اساس نوع ارتباط بنگاه با دولت (۵۲/۵ درصد)، برخورداری از حمایت‌های شغلی (۴۲/۵ درصد)، وضعیت شغلی کارکنان (۳۳/۵ درصد)، نوع گروه شغلی شاغلان (۴۹/۴ درصد) و نوع گروه فعالیت شاغلان (۴۷ درصد) و اندازه بنگاه (۴۸ درصد) برآورد شده است. در این مطالعه بنگاه‌هایی که بر طبق سرشماری کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۷۵ زیر ۱۰ نفر کارکن داشته‌اند نیز به‌عنوان بنگاه‌های بخش غیر رسمی محسوب شده‌اند.

رنانی (۱۳۸۲) ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی استان اصفهان را شناسایی و سهم اشتغال بخش غیر رسمی را در این استان در دوره ۸۱-۱۳۷۸ برآورد کرد. نتایج نشان می‌دهد که بخش غیر رسمی استان، در این دوره روند صعودی و آرامی را تجربه نموده و به طور متوسط حدود ۳۶ درصد از اشتغال استان را به خود اختصاص داده است. بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی و بخش خدمات کمتر از سایرین زمینه‌ساز فعالیت‌های غیر رسمی استان می‌باشد. همچنین زنان نسبت به مردان، روستائیان نسبت به شهری‌ها و عرضه‌کنندگان کار با مدرک دیپلم و پایین‌تر از دیپلم نسبت به دارندگان مدارک بالاتر از دیپلم، بیشتر مستعد حضور در بخش غیر رسمی هستند.

رنانی (۱۳۸۴) در مطالعه دیگری جهت برآورد و محاسبه اشتغال بخش غیر رسمی ایران، از سه ویژگی مهم شغلی افراد یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و وضعیت شغلی استفاده کرده است. این مطالعه سهم شاغلان بخش غیر رسمی را براساس ویژگی‌های مختلف از جمله جنسیت، تحصیلات و شهری - روستایی بودن برای سال‌های ۷۶ تا ۸۲ نشان می‌دهند. بر اساس نتایج این مطالعه در حدود ۷۵ درصد از شاغلان کشور در بخش رسمی و ۲۵ درصد در بخش غیر رسمی فعال می‌باشند. زنان (در مقایسه با مردان)، روستائیان (در مقایسه با شهری‌ها) و تحصیل‌کردگان پایین‌تر از دیپلم (در مقایسه با دیپلم و بالاتر) بیشتر به سمت فعالیت‌های غیر رسمی سوق داده می‌شوند. نتایج مطالعه وی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- در کلیه بخش‌های اقتصادی، بخش اعظم شاغلان غیر رسمی (نزدیک به ۹۰ درصد) دارای تحصیلات کمتر از دیپلم می‌باشند.
- به ترتیب جمعیت زیر ۱۵ سال، شاغلان بی‌سواد، جمعیت بالای ۶۵ سال و زنان بی‌همسر، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که دارندگان آن، بیشترین زمینه و احتمال برای اشتغال غیر رسمی را دارند.
- سطح سرمایه انسانی در شاغلان غیر رسمی در مقایسه با شاغلان رسمی، بسیار پایین است.

مطالعه رضوانی (۱۳۸۶)، با بررسی بازار کار شهری استان قم و با استفاده از تعاریف بین‌المللی در مورد بخش غیر رسمی و اشتغال غیر رسمی به تمایز بین اشتغال رسمی و غیر رسمی پرداخته است. داده‌های مورد نیاز پژوهش توسط پرسش‌نامه، مطابق با چارچوب ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی کار و بر اساس نیازهای بومی استان قم جمع‌آوری شده است. نمونه‌های پیمایش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سیستماتیک و به تعداد ۴۰۰ نمونه در کل شهر قم جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داده که تقریباً نیمی از شاغلان شهر قم دارای اشتغال غیر رسمی می‌باشند. همچنین شاغلان غیر رسمی در گروه‌های سنی پایین، بیشتر در فعالیت‌های غیر رسمی بخش صنعت مشارکت دارند.

۵- روش تحقیق

در این مطالعه جهت برآورد اشتغال غیر رسمی از سه ویژگی مهم شغلی افراد یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و وضعیت شغلی استفاده شده است. با توجه به این سه ویژگی ماتریسی تحت عنوان «شغل -

فعالیت» طراحی شده و برای هر یک از انواع «وضعیت‌های شغلی» یک ماتریس «شغل-فعالیت» در نظر گرفته می‌شود. یکی از ابعاد این ماتریس ترکیبی را «نوع شغل» و بعد دیگر آن را «نوع فعالیت» تشکیل می‌دهد. مقدار آرایه‌های این ماتریس بر مبنای تعلق یک «فعالیت» یا «شغل» یا «وضعیت شغلی» به بخش رسمی یا بخش غیر رسمی تعیین می‌شود.

تعلق یا عدم تعلق هر یک از مشاغل به بخش غیر رسمی - بر اساس معیارهای اعلام شده از سوی ILO - با در نظر گرفتن سه ویژگی «نوع فعالیت»، «نوع شغل» و «وضعیت شغلی» برای هر یک از کدهای چهار رقمی طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی - سطح کدهای چهار رقمی ISIC¹ - از طریق یکی از روش‌های نگرش سنجی از کارشناسان مربوطه صورت می‌گیرد. با استفاده از این روش می‌توان کد فعالیت‌هایی که تعلق صریح آنها به بخش رسمی یا غیر رسمی مشخص است را تعیین نمود. در ادامه با ترکیب نتایج حاصل به تفکیک «نوع فعالیت»، «نوع شغل» و «وضعیت شغلی» می‌توان یک «ضریب تعلق اولیه» به دست آورد. بنابراین «ضریب تعلق اولیه» هر شغل یا فعالیت به بخش رسمی یا غیر رسمی (آرایه‌های ماتریس)، از طریق شاخص ترکیبی سه ضریب تعلق اولیه به دست می‌آید. در واقع برای هر شغل یا فعالیت با ۹ گزینه (پاسخ - وضعیت) رو به رو هستیم که برآیند این ۹ حالت، وضعیت نهایی هر شغل را تعیین می‌کند.

نهایتاً با استفاده از اطلاعات شاغلانی که وضعیت رسمی یا غیر رسمی بودن آنها به طور قطعی مشخص شده است، به تخمین رگرسیون‌های مختلف می‌پردازیم. این رگرسیون‌ها با استفاده از ویژگی‌های مختلف شاغلان (که بر شانس حضور آنها در بخش غیر رسمی یا رسمی مؤثر است) از جمله سن، جنسیت، سطح سواد، شهری یا روستایی بودن، فعالیت در بخش کشاورزی و وضعیت تحصیل تخمین زده می‌شوند. بر این اساس یک رابطه اقتصاد سنجی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$IS = \alpha_0 + \alpha_1 D + \alpha_2 D^2 + \alpha_3 S + \alpha_4 EG + \alpha_5 U + \alpha_6 AG + \alpha_7 ST \quad (1)$$

که در آن:

IS : نشان‌دهنده تعلق فرد به بخش رسمی یا غیر رسمی

D : سن فرد

¹. International Standard Industrial Classification of All Economic Activities

S : نشان‌دهنده جنسیت فرد

EG : سطح سواد

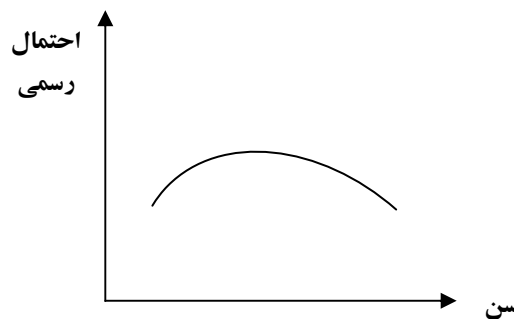
U : شهری یا روستایی بودن

AG : نشان‌دهنده فعالیت فرد در بخش کشاورزی یا غیر کشاورزی

ST : نشان‌دهنده در حال تحصیل بودن یا نبودن فرد

در این رابطه تأثیر متغیر سن بر رسمی یا غیر رسمی بودن فرد به صورت یک تابع درجه ۲ در نظر گرفته شده است. دلیل این مساله تأثیر متفاوت سن افراد در قابلیت رسمی شدن آنها می‌باشد. همان‌طور که مشخص است احتمال حضور در بخش غیر رسمی برای افرادی که در سنین پایین وارد بازار کار می‌شوند (به خصوص قبل از سن قانونی کار) بیشتر است. اما این احتمال به مرور با افزایش سن افراد کاهش می‌یابد و احتمال رسمی شدن تقویت می‌شود. از سوی دیگر احتمال غیر رسمی شدن برای افراد مسن (به خصوص افرادی که پس از بازنشستگی به شغل دیگری مشغول می‌شوند) نیز بیشتر از افراد میان سال است. بنابراین از یک محدوده سنی به بعد افزایش سن باعث تقویت احتمال غیر رسمی شدن خواهد شد. در نتیجه می‌توان یک رابطه غیر خطی را ارتباط سن و احتمال رسمی شدن در نظر گرفت (شکل ۱).

شکل ۱: ارتباط سن و احتمال رسمی شدن



با تخمین رابطه فوق می‌توان تأثیر هر یک از ویژگی‌های شاغلان را بر شانس حضور آنها در بخش رسمی یا غیر رسمی محاسبه نمود. این شانس با استفاده از ضریب θ برآورد می‌شود که مقدار این ضریب به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\theta_j = \frac{\sum_i K_{ij} \alpha_i}{\sum_i \alpha_i} \quad (2)$$

که در آن:

θ_j : شانس حضور فرد j در بخش رسمی

α_i : ضرایب برآوردی رگرسیون برای i امین ویژگی

K_{ij} : متغیر صفر و یک که در صورتی که فرد j ام از نمونه گیری دارای ویژگی i باشد معادل ۱ و در غیر این صورت معادل صفر است.

لازم به ذکر است که مخرج θ مجموع کلیه ضرایب برآوردی از رگرسیون مربوط به هر استان و صورت θ تنها ضریبی را در بر می گیرد که ویژگی مربوط به آن در مورد مشاغل مورد بررسی حاکم باشد. با استفاده از این ضریب می توان شانس حضور هر فرد جهت حضور در بخش رسمی را محاسبه نمود و به طور مشخص شانس حضور هر فرد در بخش غیر رسمی به صورت $(1-\theta)$ برآورد می شود.

از آنجایی که این محاسبات به تفکیک کد فعالیت های چهار رقمی و بر مبنای نتایج آمارگیری اشتغال و بیکاری خانوارها انجام می گیرد، لذا می توان سهم بخش غیر رسمی را به تفکیک ویژگی های مختلف شاغلان محاسبه نمود.

۶- برآورد و تحلیل ساختار اشتغال غیر رسمی

در این قسمت، در چارچوب روش ارائه شده در قسمت قبل و با بکارگیری اطلاعات پایه مربوط به آمارگیری های سالیانه «ویژگی های اشتغال- بیکاری خانوار» در کل کشور، سهم و ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی استان کهگیلویه و بویر احمد به صورت میانگین برای دوره زمانی ۱۳۷۸ تا قبل از ۱۳۸۴ محاسبه و شناسایی می شود. سپس سهم شاغلان بخش غیر رسمی و ساختار اشتغال در بخش مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۶-۱- سهم اشتغال در بخش غیر رسمی استان

بر اساس جدول ۲ ملاحظه می‌شود که از کل شاغلان استان به طور متوسط ۶۲ درصد رسمی و ۳۹ درصد غیر رسمی هستند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سهم شاغلان رسمی در حدود دو برابر سهم شاغلان غیر رسمی است. با توجه به اینکه نتایج مطالعه دیگری که برای کل کشور انجام شده است - و در آن از همین روش مورد استفاده در این تحقیق استفاده شده است - نشان می‌دهد که سهم شاغلان بخش غیر رسمی در کل کشور ۲۸ درصد کل شاغلان است (رنانی، ۱۳۸۴)، می‌توان به یک ارزیابی کلی دست یافت و آن اینکه در یک نگاه کلی و بدون توجه به ساختار بخشی اقتصاد استان، سهم شاغلان بخش غیر رسمی استان کهگیلویه و بویراحمد از متوسط همین سهم در کل کشور بیشتر است.

جدول ۲: سهم شاغلان استان در بخش رسمی و غیر رسمی بر اساس ویژگیهای مختلف (درصد)

سهم شاغلان	جمع	غیر رسمی	رسمی
کل شاغلان	۱۰۰	۳۹	۶۲
شاغلان مرد	۱۰۰	۳۶	۶۴
شاغلان زن	۱۰۰	۴۷	۵۳
شاغلان شهری	۱۰۰	۱۲	۸۸
شاغلان روستایی	۱۰۰	۵۴	۴۶
دیپلم و بالای دیپلم	۱۰۰	۶	۹۴
پایین تر از دیپلم	۱۰۰	۵۱	۴۹

از کل شاغلان مرد استان به طور متوسط ۶۴ درصد در بخش رسمی و ۳۶ درصد در بخش غیر رسمی شاغل هستند (متوسط سه سال) و از کل شاغلان زن استان به طور متوسط ۵۳ درصد در بخش رسمی و ۴۷ درصد در بخش غیر رسمی اشتغال دارند. بنابراین به طور متوسط میزان مشارکت مردان در دو بخش رسمی و غیر رسمی دارای اختلاف زیادی است. اگرچه به طور متوسط برای زنان می‌توان گفت احتمال اشتغال زنان در بخش غیر رسمی بسیار بالاتر از مردان است. از کل شاغلان شهری استان به طور متوسط ۸۸ درصد در بخش رسمی و ۱۲ درصد در بخش غیر رسمی اشتغال دارند. این اختلاف نسبت برای شاغلان روستایی تقریباً ناچیز بوده است به طوری که از کل شاغلان روستایی استان به طور متوسط نیمی در بخش غیر رسمی شاغل می‌باشند. از نظر سطح تحصیلات، از کل شاغلان که تحصیلات دیپلم و بالای دیپلم دارند به طور متوسط ۹۴ درصد در بخش رسمی و ۶ درصد در بخش غیر رسمی مشغول به کارند و از کل شاغلان زیر دیپلم به طور متوسط ۴۹ درصد در بخش رسمی و ۵۱ درصد در بخش غیر رسمی فعالیت می‌کنند.

همان گونه که ملاحظه می شود، احتمال آنکه شاغلان زیر دیپلم به بخش غیر رسمی پیوندند چند برابر همین احتمال برای شاغلان دیپلم و بالاتر است. در مجموع می توان گفت در این استان زنان (در مقایسه با مردان)، روستائیان (در مقایسه با شهری ها) و افراد پایین تر از دیپلم (در مقایسه با دارندگان دیپلم و بالاتر) بیشتر به سمت فعالیت های غیر رسمی سوق داده می شوند. زیرا از یک سو موانع متعددی برای حضور شاغلان با ویژگی های فوق در بخش رسمی وجود دارد به طوری که بخش رسمی قابلیت و آمادگی کمتری برای جذب این گروه ها دارد و از سوی دیگر این گروه ها نیز شرایطی دارند که حضور در بخش غیر رسمی را آسان تر می پذیرند. زیرا به عنوان مثال به دلیل عدم گسترش فعالیت های رسمی در روستاها، بخش رسمی قابلیت جذب گروه زیادی از روستائیان را ندارد و با توجه به سطح تحصیلات پایین تر روستائیان و مهارت های کسب شده در روستاها، می توان گفت روستائیان آمادگی زیادی جهت فعالیت در بخش غیر رسمی دارند.

۶-۱-۱- سهم شاغلان غیر رسمی با ویژگی های مختلف در بخش های اقتصادی

جدول ۳ سهم شاغلان بخش غیر رسمی با ویژگی های مختلف را در کل اشتغال بخش های عمده اقتصادی استان نشان می دهد و از این طریق می توان وضعیت کلی هریک از بخش های عمده اقتصادی استان را مورد بررسی قرار داد.

ویژگی های برخی مشاغل مانند کشاورزی به گونه ای است که به صورت بالقوه امکان فعالیت به صورت غیر رسمی در آن بیشتر است. به طور متوسط ۸۸ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی به صورت غیر رسمی فعالیت داشته اند که متوسط این سهم در بین کشاورزان شهری ۷۶ درصد و در بین کشاورزان روستایی ۸۸ درصد است. این آمار نشان می دهد که فعالیت در بخش کشاورزی یک ویژگی غالب برای فعالیت به صورت غیر رسمی در این استان است و شهری یا روستایی بودن تأثیر چندانی در سهم فعالان در مشاغل غیر رسمی این بخش (کشاورزی) نداشته است.

همچنین در میان شاغلان مرد، سهم کشاورزان مرد غیر رسمی به طور متوسط ۸۶ درصد و در میان شاغلان زن، سهم کشاورزان زن غیر رسمی به طور متوسط ۹۹ درصد بوده است که نشان از تأثیر نسبی ویژگی جنسیت جهت مشارکت در بخش غیر رسمی کشاورزی دارد. از آنجا که زنان شاغل در بخش کشاورزی معمولاً در کنار سرپرست خانوار و تحت عنوان کارکنان فامیلی جهت تأمین

معاش، فعالیت می‌نمایند بنابراین زنان شاغل در بخش کشاورزی سهم بسیار بالایی در فعالیت‌های غیر رسمی دارند.

بررسی سهم شاغلان غیر رسمی در بخش کشاورزی به تفکیک سطح تحصیلات نشان می‌دهد که این سهم به طور متوسط برای افراد پایین‌تر از دیپلم ۸۹ درصد و برای افراد دیپلم و بالاتر ۷۰ درصد است که نشان از اهمیت نسبی ویژگی سطح تحصیلات برای مشارکت در بخش غیر رسمی کشاورزی است. بررسی سهم شاغلان غیر رسمی در سایر بخش‌های اقتصادی به تفکیک سطح تحصیلات نیز مؤید این مطلب است. در کل، برآوردها نشان می‌دهد که اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به ویژگی جنسیت یا تحصیلات یا شهری و روستایی بودن، اثر بیشتری بر گرایش شاغلان به فعالیت غیر رسمی دارد.

سهم شاغلان غیر رسمی در سایر بخش‌های عمده اقتصادی بسیار پایین‌تر از کشاورزی است. ولی همچنان غلبه ویژگی‌های جنسیت (زن بودن)، سواد (زیر دیپلم)، محل سکونت (روستایی) برای اشتغال در بخش غیر رسمی در بخش‌های صنعت و ساختمان نیز حفظ شده است. نقش جنسیت در ویژگی شغلی افراد به گونه‌ای است که احتمال ورود زنان بخش صنعت به فعالیت غیر رسمی تقریباً ۴ برابر این احتمال برای مردان است. در بخش صنعت به طور متوسط ۱۲ درصد به صورت غیر رسمی فعالیت داشته‌اند که سهم شاغلان غیر رسمی شهری در بخش صنعت به طور متوسط ۱۰ درصد و در بین روستاییان به طور متوسط ۱۶ درصد است.

افزایش سهم شاغلان غیر رسمی صنعت در میان روستاییان به دلیل ویژگی‌های این صنایع در روستاها است، به گونه‌ای پایین بودن سطح فناوری و نیز پایین بودن مقیاس تولید و نیز مالکیت خانواری این گونه فعالیت‌ها باعث می‌شود که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های صنعتی در روستاها به سوی فعالیت‌های غیر رسمی سوق یابند. همچنین ویژگی‌هایی مثل سطح پایین درآمد و بیکاری فصلی در فعالیت‌های کشاورزی باعث می‌شود که صاحبان صنایع روستایی به راحتی بتوانند نیروی کار مورد نیاز خود را به صورت غیر رسمی به کار گیرند.

در میان بخش‌های عمده اقتصادی، بخش خدمات کمترین سهم از شاغلان خود را در بخش غیر رسمی به کار گرفته است، به گونه‌ای که به طور متوسط ۶ درصد از کل شاغلان این بخش غیر رسمی می‌باشند. زنان فعال در بخش خدمات معمولاً در مشاغل کاملاً رسمی اشتغال دارند و یا اشتغال آنها در فعالیت‌هایی است که به طور نسبی قابلیت پنهان‌سازی یا گریز آنها کمتر است.

اصولاً اشتغال غیر رسمی در بخش خدمات به گونه‌ای است که در برخی موارد زنان به دلیل محدودیت‌ها و موانع فرهنگی نمی‌توانند در آن مشارکت داشته باشند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت زمینه فعالیت‌های غیر رسمی در بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌ها فراهم است و در میان سه بخش دیگر بخش خدمات دارای کمترین درصد و بخش ساختمان دارای بیشترین درصد شاغلان غیر رسمی است.

جدول ۳: سهم شاغلان بخش غیر رسمی با ویژگی‌های مختلف در کل اشتغال بخش‌های اقتصادی استان (درصد)

سهم کل	پایین تراز دیپلم	دیپلم و بالای دیپلم	زن	مرد	روستایی	شهری	سهم شاغلان غیر رسمی
۸۸	۸۹	۷۰	۹۹	۸۶	۸۸	۷۶	کشاورزی
۱۲	۱۶	۳	۳۲	۸	۱۶	۱۰	صنعت
۲۹	۳۱	۱۳	۳۰	۲۹	۳۰	۲۵	ساختمان
۶	۱۱	۲	۶	۶	۷	۵	خدمات

۶-۱-۲- سهم اشتغال غیر رسمی در میان شاغلان با ویژگی‌های مختلف

جدول ۴ سهم شاغلان غیر رسمی از کل شاغلان با ویژگی‌های مختلف را نشان می‌دهد. به طور کلی سهم شاغلان غیر رسمی از میان شاغلان دیپلم و بالای دیپلم، قابل توجه نبوده است (به طور متوسط حدود ۷ درصد) و به طور متوسط نیز حدود ۴ درصد از شاغلان مرد شهری با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر به صورت غیر رسمی فعالیت داشته‌اند. این وضعیت در مورد شاغلان روستایی تشدید شده به گونه‌ای که حدود ۱۳ درصد از شاغلان مرد روستایی با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر به صورت غیر رسمی مشغول به فعالیت بوده‌اند. بنابراین، اگر شاغلان با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر در روستا سکونت کنند، شانس آنها برای ورود به فعالیت‌ها در بخش رسمی کاهش می‌یابد - در مقایسه با همان شاغلان در شهر.

در مورد شاغلان زیر دیپلم سهم اشتغال غیر رسمی بیشتر بوده به گونه‌ای که سهم شاغلان غیر رسمی با تحصیلات زیر دیپلم به طور متوسط ۵۱ درصد است. در این میان، سهم شاغلان غیر رسمی در بین شاغلان مرد روستایی با تحصیلات کمتر از دیپلم ۵۹ درصد و سهم شاغلان غیر رسمی در بین شاغلان زن روستایی زیر دیپلم به طور متوسط ۸۱ درصد بوده است. این مطلب بیانگر ویژگی غالب زن بودن در جذب به سوی بخش غیر رسمی است. همچنین ملاحظه می‌شود

که به طور متوسط حدود ۵۴ درصد شاغلان روستایی در بخش غیر رسمی فعال بوده‌اند. در حالی که این سهم برای شاغلان شهری به طور متوسط ۱۲ درصد است. همچنین به طور متوسط ۵۱ درصد شاغلان مرد روستایی در بخش غیر رسمی فعال بوده‌اند در حالی که این سهم برای شاغلان زن روستایی به طور متوسط ۷۱ درصد بوده است.

جدول ۴: سهم شاغلان بخش غیر رسمی در کل شاغلان استان، بر اساس ویژگی‌های مختلف (درصد)

جمع کل	مجموع	زن-شهری	زن-روستایی	مرد-شهری	مرد-روستایی	شاغلان غیر رسمی
۷	۷	—	—	۴	۱۳	مرد-بالای دیپلم
۴	۴	۱	۹	—	—	زن-بالای دیپلم
۵۱	۴۸	—	—	۲۱	۵۹	مرد-زیر دیپلم
۷۵	۷۵	۳۲	۸۱	—	—	زن-زیر دیپلم
۳۹	۳۹	۸	۷۱	۱۳	۵۱	مجموع
			۴۷	۳۶		جمع کل
		جمع روستایی		جمع شهری		
		۵۴		۱۲		

در مجموع می‌توان گفت صرفنظر از جنسیت و سواد، سهم بیشتری از روستائیان نسبت به شهری‌ها به فعالیت‌های غیر رسمی جذب می‌شوند. همچنین صرفنظر از جنسیت و محل سکونت، شاغلان با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم در مقایسه با شاغلان دیپلم و بالاتر شانس کمتری برای ورود به بخش رسمی دارند و نیز زنان بیش از مردان به سمت فعالیت‌های غیر رسمی سوق داده می‌شوند.

۶-۲- ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی استان

در قسمت قبل سهم شاغلان غیر رسمی در میان شاغلان با ویژگی‌های مختلف، در استان مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفت. در این قسمت نحوه توزیع «شاغلان در بخش غیر رسمی» و به طور کلی ساختار درونی اشتغال در بخش غیر رسمی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. جدول ۵ توزیع شاغلان رسمی و غیر رسمی استان را براساس ویژگی‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌گونه که قابل مشاهده است، در میان کل شاغلان، به طور متوسط سهم مردان حدود ۸۹ و سهم زنان حدود ۱۱ درصد می‌باشد. نکته مهم این است که این ترکیب سهم، در بخش رسمی و غیر رسمی نیز تا حدود زیادی حفظ شده است. این نکته نشانگر آن است که محدودیت

فرصت‌های اشتغال برای زنان در مقایسه با مردان استان، صرف نظر از نوع فعالیت، در هر دو بخش رسمی و غیر رسمی به طور یکسان برقرار است.

بررسی سهم روستاییان و شهری‌ها نشان می‌دهد که از کل جمعیت شاغل در استان، به طور متوسط ۶۲ درصد روستایی و ۳۸ درصد شهری می‌باشند. بر اساس جدول فوق، در بخش رسمی شهری‌ها به طور متوسط ۵۴ درصد و روستاییان ۴۶ درصد از سهم شاغلان را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که توزیع شاغلان در بخش غیر رسمی بیانگر سهم بالای روستاییان (۸۸ درصد) نسبت به شهرنشینان (۱۲ درصد) است.

بررسی سطح تحصیلات در میان شاغلان استان نیز نشان می‌دهد که از کل شاغلان استان، به طور متوسط ۷۱ درصد تحصیلات پایین‌تر از دیپلم و ۲۹ درصد تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند. این سهم‌ها برای شاغلان غیر رسمی به ترتیب ۹۵ درصد و ۵ درصد است. بنابراین ملاحظه می‌شود سطح سرمایه انسانی در بخش غیر رسمی پایین‌تر از بخش رسمی کشور است. به طور کلی می‌توان گفت ساختار اصلی بخش رسمی استان را شهری‌ها و ساختار اصلی بخش غیر رسمی استان را روستاییان تشکیل می‌دهند. همچنین بررسی سطح تحصیلات شاغلان استان نشان می‌دهد که سطح سرمایه انسانی در بخش غیر رسمی بسیار پایین‌تر از بخش رسمی است.

جدول ۵: توزیع شاغلان رسمی و غیر رسمی استان بر اساس ویژگی‌های مختلف (درصد)

بخش غیر رسمی	بخش رسمی	کل شاغلان	سهم شاغلان
۱۵	۸	۱۱	زن
۸۵	۹۲	۸۹	مرد
۸۸	۴۶	۶۲	روستایی
۱۲	۵۴	۳۸	شهری
۹۵	۵۸	۷۱	پایین تر از دیپلم
۵	۴۲	۲۹	دیپلم و بالای دیپلم
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

۶-۲-۱- توزیع شاغلان غیر رسمی بین ویژگی‌های اصلی در هر یک از بخش‌های

اقتصاد

جدول ۶ توزیع شاغلان بخش غیر رسمی بین ویژگی‌های اصلی را در هر یک از بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد. در واقع ساختار اشتغال غیر رسمی استان را در هر یک از بخش‌های عمده اقتصادی بر اساس ویژگی‌های اصلی (محل سکونت، جنسیت و سطح تحصیلات) نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود از کل شاغلان غیر رسمی که در بخش کشاورزی شاغل‌اند به طور متوسط ۹۵ درصد روستایی و ۵ درصد شهری هستند. در بخش‌های صنعت و ساختمان نیز سهم شاغلان غیر رسمی روستایی بیشتر از شهری است. ولی در بخش خدمات سهم شاغلان غیر رسمی شهری بیشتر از روستایی است. همچنین بخش اعظم شاغلان غیر رسمی بخش‌های کشاورزی، ساختمان و خدمات را مردان به خود اختصاص داده‌اند. اما وضعیت صنعت کاملاً متفاوت است. به طور متوسط بیش از ۴۹ درصد شاغلان غیر رسمی بخش صنعت استان را زنان تشکیل داده‌اند. این مسأله نشانگر آن است که در بخش صنعت فرصت‌های شغلی در بخش غیر رسمی به گونه‌ای برابرتر توزیع شده است.

توزیع شاغلان غیر رسمی بر اساس سطح تحصیلات نیز بیانگر این مطلب است که در کلیه بخش‌های اقتصاد، بخش اعظم شاغلان غیر رسمی را شاغلان با تحصیلات کمتر از دیپلم تشکیل داده‌اند. بنابراین به طور خاص در مورد فعالیت‌های بخش کشاورزی می‌توان گفت که ساختار اصلی بخش غیر رسمی در فعالیت‌های کشاورزی استان را روستاییان، مردان و افراد با تحصیلات دیپلم به پایین شکل می‌دهند. همچنین سهم شاغلان دیپلم و بالاتر در بخش غیر رسمی خدمات، بیشتر از سایر بخش‌های اقتصاد است.

جدول ۶: توزیع شاغلان بخش غیر رسمی با ویژگی‌های مختلف در درون هر بخش اقتصادی در استان (درصد)

سهم کل	دیپلم و بالای دیپلم	پایین تر از دیپلم	مرد	زن	شهری	روستایی	سهم شاغلان غیر رسمی
۱۰۰	۴	۹۶	۸۳	۱۷	۵	۹۵	کشاورزی
۱۰۰	۹	۹۱	۵۱	۴۹	۴۷	۵۳	صنعت
۱۰۰	۶	۹۴	۱۰۰	۰	۲۸	۷۲	ساختمان
۱۰۰	۱۶	۸۴	۹۵	۵	۶۰	۴۰	خدمات

۷- جمع‌بندی و پیشنهاد

این مقاله به بررسی ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی استان کهگیلویه و بویر احمد و محاسبه سهم اشتغال در بخش غیر رسمی استان پرداخته است. در مجموع می‌توان گفت در این استان زنان (در مقایسه با مردان)، روستائیان (در مقایسه با شهری‌ها) و افراد پایین‌تر از دیپلم (در مقایسه با دارندگان دیپلم و بالاتر) بیشتر به سمت فعالیت‌های غیر رسمی سوق داده می‌شوند. همچنین زمینه فعالیت‌های غیر رسمی در بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌ها فراهم است.

ساختار اصلی بخش رسمی استان را شهری‌ها و ساختار اصلی بخش غیر رسمی استان را روستائیان تشکیل می‌دهند. همچنین بررسی سطح تحصیلات شاغلان استان نشان می‌دهد که سطح سرمایه انسانی در بخش غیر رسمی بسیار پایین‌تر از بخش رسمی است. توزیع شاغلان غیر رسمی براساس سطح تحصیلات نیز بیانگر این مطلب است که در کلیه بخش‌های اقتصاد، بخش اعظم شاغلان غیر رسمی را شاغلان با تحصیلات کمتر از دیپلم تشکیل داده‌اند.

نظر به اینکه تقریباً یک سوم از اشتغال استان در بخش غیر رسمی است، هرگونه سیاست‌گذاری در زمینه اشتغال باید با ملاحظه بخش غیر رسمی صورت گیرد. در غیر این صورت تضمینی برای موفقیت آن سیاست نخواهد بود. همچنین این بخش می‌تواند در زمینه اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری استان نقش مهمی را ایفا کند. از آنجا که سهم بخش غیر رسمی در اشتغال استان در حال افزایش است، سیاست‌گذاری‌ها در زمینه اشتغال استان لازم است به جای مبارزه با بخش غیر رسمی در جهت ارتقاء این بخش صورت گیرد. بنابراین تغییر نگاه سیاست‌گذاران به بخش غیر رسمی ضروری است. در این راستا اصلاح ساز و کارهای اداری، قانونی و نهادی، ضروری است. به گونه‌ای که از محدودیت‌های فعالیت رسمی زنان، روستائیان و کم‌سوادان کاسته شود. بر این اساس پیشنهادات مشخص و کاربردی زیر را می‌توان در خصوص شرایط خاص استان مطرح نمود:

- با توجه به بالا بودن سهم شاغلان کشاورزی در بخش غیر رسمی و نیز با توجه به بالا بودن میانگین سنی شاغلان این بخش، لازم است توجه ویژه‌ای به بخش کشاورزی صورت پذیرد. تسهیل جذب نیروی انسانی تحصیل کرده و جوان به این بخش موجب ارتقای سطح فناوری در این بخش می‌شود و می‌تواند زمینه‌های گسترش فعالیت‌های رسمی در این بخش را به وجود بیاورد.

• سهم شاغلان غیر رسمی با تحصیلات بالا در بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی در استان بیشتر بوده است. هر چند این موضوع یکی از شاخص‌های توسعه است، اما تحقق این شاخص، تنها در کشورهای دارای فناوری و بازارهای مالی پیشرفته می‌تواند نشانه مثبتی قلمداد شود. در صورتی که بالا بودن این سهم در این استان بیانگر آن است که سایر بخش‌ها و به ویژه بخش صنعت از جذب این نیروها ناتوان بوده‌اند. بنابراین لازم است از طریق برخی تمهیدات نهادی و مالی ورود نیروهای تحصیل کرده به بخش صنعت تسهیل و تشویق شود تا از شدت جذب نیروهای تحصیل کرده به بخش خدمات کاسته شود.

• در خصوص وضعیت اشتغال در بخش صنعت با توجه به مشکلات نهادی و مالی برای راه‌اندازی بنگاه‌های کارفرمایی در این استان پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران استانی با بهبودهای نهادی لازم در سازوکارها و قوانین مربوطه و نیز تسهیل امکان تأمین مالی برای بنگاه‌های صنعتی کوچک مقیاس، زمینه تحول بخش صنعتی استان را از اتکا به واحدهای صنعتی خود اشتغالی (که قابلیت بیشتری برای غیر رسمی شدن دارند) به بنگاه‌های صنعتی کارفرمایی (هر چند با مقیاس کوچک) فراهم آورند.

• با توجه به سهم بالای بخش غیر رسمی در استان، دنبال کردن تحولات اشتغال در این بخش جهت هدایت آن ضروری است. بنابراین لازم است سیاست‌گذاران استانی طرح آمارگیری ویژه‌ای را جهت برآورد منظم و ادواری سهم بخش غیر رسمی در استان به اجرا گذارند و از نتایج آن جهت هدایت فعالیت‌های غیر رسمی در استان استفاده کنند.

• با توجه به سهم بالای بخش غیر رسمی در تأمین فرصت‌های اشتغال در استان کهگیلویه و بویراحمد، لازم است سیاست‌گذاران استانی از هرگونه سیاستی که هدفش مبارزه با این بخش است پرهیز کنند. بر عکس توصیه می‌شود آنان برخی حمایت‌ها نظیر حمایت‌های بیمه‌ای از فعالیت‌های غیر رسمی را در دستور کار خود قرار دهند تا بتوانند گام به گام ارتباط بخش غیر رسمی را با نهادهای رسمی افزایش دهند و در بلندمدت این فعالیت‌ها را به سمت بخش رسمی هدایت کنند.

منابع و مأخذ

الف: منابع و مأخذ فارسی

۱. احمدی شادمهری، محمد طاهر (۱۳۸۶). "بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیر رسمی". مجله دانش و توسعه (۲۰): ۱۵۹-۱۳۹.
۲. باباحیدری، ساغر (۱۳۸۰). اندازه‌گیری و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیررسمی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
۳. توماس، جی جی. ریسک‌اویچ، رانول. و سیستو، وینچز (۱۳۷۶). اقتصاد غیررسمی. منوچهر نوریبخش و کامران سپهری؛ تهران، انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۴. شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰). برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل پیدایش آن (رویکرد منطق فازی)، پایان‌نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. رضوانی، سید عارف (۱۳۸۵). تحلیل اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
۶. رنانی، محسن (۱۳۸۰). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص، طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت علوم و آموزش عالی.
۷. رنانی، محسن (۱۳۸۲). بررسی ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان اصفهان، طرح تحقیقاتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان.
۸. رنانی، محسن (۱۳۸۴). بررسی بخش غیررسمی قابل ارتقاء در ایران، طرح تحقیقاتی، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور.
۹. نایب، سعید (۱۳۷۸). بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
۱۰. هدایت، محمود. و باقریان، میترا (۱۳۶۸). بررسی بخش غیرمتشکل در ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی.

ب: منابع و مأخذ لاتین

1. Amin, Nurul. (2002/4). "The Informal Sector in Asia from the Decent Work Perspective". Working Paper on the Informal Economy ILO.

2. Burnabe, S. (2002). "A Profile of Informal Employment: the Case of Georgia". Working Paper ILO, Geneva.
3. Capt, J. (2007). "Skills Development and Gender". Powerpoint Presentation, Skills and Employability Department (Geneva, ILO).
4. ESCAP. (2006). "Economic and Social Commission for Asia and Pacific: Poverty and the Informal Sector, Role of the Informal Sector in Poverty Reduction". Bangkok.
5. Funkhouser, E. (1996). "The Urban Informal Sector in Central America; Household Survey Evidence". World Development Vol. 24, No. 11: 1737-1751.
6. Henley, Andrew, Arabsheibani, Reza G., G. Carneiro, Francisco (2006). "On Defining and Measuring the Informal Sector". Working Paper World Bank Policy Research, 3866.
7. ILO (1993). "Report of the Conference; Fifteenth International Conference of Labour Statisticians". Geneva.
8. ILO (2002). "Report VI: Decent Work and the Informal Economy". Sixth Item on the Agenda, 90th Session". ILO, Geneva.
9. Kuchta- Helbling, C. (2000). "Background Paper- Barriers to Participation: the Informal Sector in Emerging Democracies". Center For International Private Enterprise, Program officer, Latin America, Research and Advocacy.
10. Loayza, Norman, A. (1997). "The Economics of the Informal Sector: A Simple Model and Some Empirical Evidence From Latin America". Working Paper.
11. Murray, U. (2008). "Gender and Skills Development: Practical Experiences and Ways Forward". Paper Prepared for the ILO Skills and Employability Department (SKILLS), ILO, Geneva.
12. OECD Development Centre (2009). "Is Informal Normal". Based on ILO LABORSTA Database and ILO Global Employment Trends.
13. Saracoğlu, Şirin (2007). "The Informal Sector and Tax on Employment: A Dynamic General Equilibrium Investigation".
14. Journal of Economic Dynamics & Control 32: 529-549.